



همیار طبیعت ۱

عاقبت فکر بد



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همیار طبیعت ۱

عاقبت فکـر بد

شاعر : مرجان طالب رفایی

تمویرگر : حمید قالیچاری

سرشناسه
عنوان و نام پدید آور : عاقبت فکر بد / شاعر مرجان طالب رضایی؛ تصویر گر حمید قالیچاری؛ [به سفارش سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور].

مشخصات نشر : تهران، موج سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۲۴ص: مصور (رنگی).
فروست : همیار طبیعت ۱.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۹-۵۵-۰ ریا: ۱۵۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا.
یادداشت : گروه سنی: ب.
موضوع : جنگل و جنگلداری - حفاظت - شعر
موضوع : محیط زیست - حفاظت - شعر
موضوع : شعر کودکان
شناسه ی افزوده : قالیچاری، حمید، ۱۳۵۵ - تصویر گر.
شناسه ی افزوده : سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور
رده بندی دیویی : ۶۳۴/۹ط۱۷۴ع۱۳۸۸
شماره ی کتابشناسی ملی : ۱۸۷۶۵۴۱

عنوان کتاب : همیار طبیعت (۱) عاقبت فکر بد
شاعر : مرجان طالب رضایی
تصویر گر : حمید قالیچاری
کارشناس ناظر(تخصصی) : محمد حسین رزاقی
کارشناس فنی و هنری: رویا سید محسنی

به سفارش : مدیریت ترویج و آموزش سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور
طراحی و اجرا : نشریه سبزینه
نوبت چاپ : چهارم - زمستان ۱۳۹۰
زمستان : ۱۳۹۰
تیراژ : ۱۵۰۰۰
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۰۹-۵۵-۰
لیتوگرافی و چاپ : پیمان نواندیش
قیمت : ۱۵۰۰۰ ریال



حق چاپ این کتاب برای سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور محفوظ می باشد.

مقدمه

مجموعه قصه های همیار طبیعت با هدف ایجاد رویکردی مناسب در جهت اصلاح و تغییر نگرش ها و برخوردهای نه چندان مطلوب که خواسته و ناخواسته به عنوان رفتارهای شخصی و اجتماعی در بین آحاد مردم پدیدار گشته ، به رشته ی تحریر درآمده است. رفتارهایی که در پی آن مسائل و معضلات چشم گیری در جامعه ایجاد نموده و حتی عواقب و تاثیر آن، تا چندین دهه در جامعه باقی خواهد ماند.

در سری کتاب های همیار طبیعت سعی شده مضامین مختلف با زبان گویا و شیرین در قالب شعر و قصه با به همراه داشتن پیام های آموزنده بازگو شود و با این هدف مخاطب خود را نونهالان و کودکان عزیز در نظر گرفته است تا خانواده ها و دیگر عزیزان به سبب آن از این وقایع متعارف تاثیرپذیرند.

کتابی که در پیش رو دارید به منظور آشنایی خوانندگان عزیز با جنگل و تاثیر آن بر محیط زیست و نحوه بهره برداری صحیح از جنگل و نیز معرفی زحمت کشانی است که در عرصه ی حفظ و نگهداری جنگل و مراتع مشغول به ارائه ی خدمت و فداکاری هستند.

به امید آن که گام های کوچک ما نگرشی ژرف و عمیق در جهت آشنایی و حفظ این موهبت الهی ایجاد نماید.

مدیریت ترویج و آموزش سازمان جنگل ها ، مراتع و آبخیزداری کشور

تو قلب یه دشت ناز

یه جنگل پر از راز

پر از شکوفه و گل

پر از نوای بلبل

پر از برگ و پر از بار

پر از ترانه ی سار

پر از نسترن و یاس

پر از خوبی و احساس

پر از رودخونه و رود

پر از طنین و سرود

پر از لذت پرواز

پر از صدای آواز



پر از بال پرنده

پر از صدای خنده

پر از میوه پر از بار

پر از گل های بی خار

تو قلب سبز پیشه

درخت بوده همیشه

ریشه ها تو دل خاک

مراقب خاک پاک

برگ درخت سبز بود

واسه زمین نبض بود



وقتی بارون می بارید

چتر درخت باز می شد

با دست خیس بارون

برگ درخت ناز می شد

شاخه های درختان

سایه و سایبون بود

ریشه های درختان

تو خاک مهربون بود

جنگل سرسبز ما

هدیه خوب خدا

همیشه سبز و زیبا

پاک و تمیز و بیتنا



روزهای جنگل آفتابی

شب های جنگل مهتابی
خورشید خانم می خندید
شب آسمون چه عالی بود
اما تو اون شب سرد
جای ستاره خالی بود
به جنگ جنگل می اومد
یک مرد بد با تبرش
می خواست درخت بشکنه
ضربه می زد به پیکرش
صدای پای اون تو شب
قلب درخت ها رو شکوند
لرزش ریششون تو خاک
شب رو به وحشت می رسوند
تپش، تپش، نبض درخت
تند، تند و پر صدا می زد
تو وحشت و سکوت شب
پرنده هم پر نمی زد

با تبرش درختارو

زخمی و آزرده می کرد

با ضربه هاش درختارو

غمگین و افسرده می کرد





می خواست یه خونه بسازه
با چوب های خوب درخت
می خواست اونا رو بفروشه
وقتی تو ی خونش نشست

شاخه ها رو می برید

توی دلش می خندید

از دل سبز جنگل

درخت ها رو می دزدید



می گفت اینا برای

ساخت خونم کافیه

بقیه ی درختا

پول می شه و عالیه







زیبایی های جنگل

سحر که شد تموم شد

اونهمه احساس خوب

بایک تبر حروم شد

یه عالمه چوب خوب

تو دستای مرد بد

مرد بدی که تبر

به اون درختا می زد

مرد پلیدی که شد

باعث مرگ جنگل

حالا می خواست بسازه

خونشو خوب از اول



تو جنگل بی درخت
خواب و سکوت و سرما
هدیه مرد بدجنس
به خونه ی درخت ها
اون آدم بی خرد
صبح تا غروب کار می کرد
جنگل و ویرون می کرد
چوبا رو انبار می کرد



خونه که شد گلستون
تو قلب دشت داغون
په‌په روز آسمون
با چشم خیس و گریون
دلش می خواست بباره
واسه جنگل و بیرون





وقتی یه ذره بارید
دلش سبک شد و دید
چتر درخت باز نشد
برگ درخت ناز نشد
هرچه بارون می بارید
روی زمین می چکید
زمین خشک و بیمار
بدون ریشه، تب دار
قدرت جذبی نداشت
توش نمی شد چیزی کاشت
آب نمی شد مهمونش
روان می شد رو جونش



خاک که حالا شل شده بود
بارون به خاک ضربه می زد
دنبال راه رودخونه
بی وقفه بارون می اومد
خلاصه اونهمه آب
پدید آورد یه سیلاب
روانه شد سوی رود
رودخونه ها رو فرسود
از بستر رودخونه
رفت به سوی اون خونه



اون مرد بدجنس و بد

اصلاً مگه فکر می کرد

راحت و بی بهونه

خونش بشه ویروانه



تمام زحمت مرد

تو چنگ سیلاب و رود

اونهمه قتل درخت

بدون بهره و سود

پسر بچه ی تنها

تو رود خونه اسیره

دار و ندار اون مرد

داره ز دستش می ره

عاقبت قصه ی ما

به تکه از همون چوبا

قایقی شد برای اون

به تکه چوب مهربون

پسر بچه ی تنها

حالا شده آواره

نه خونه و نه جنگل

نمونده راه چاره

تو دست سیلاب رود

چشم های خیس و کبود

حسرت تنها موندن

غصه ی بود و نبود

زندگی تلخ پدر

تجربه واسه پسر

ارث پدر برای اون

غصه و رنج و دردسر

نگاه به خونشون می کرد
خرابه آشیونه بود

جنگل که نگاه می کرد

چیزی نبود و بیرونه بود



می خواست حالا کمک کنه

جنگل نو سازی کنه

نهال دوستی بکاره

روی زمین بازی کنه

تمام عمرش رو گذاشت

برای احیای زمین

توی تمام زندگیش

نشسته بود اون به کمین

اگر کسی نگاه می کرد

با چشم بد به وطنش

زندگیشو سیاه می کرد

باتموم جون و تنش

پسر بچه ناتوون

حالا شده مردی جوون

محافظ جنگل سبز

مراقب زمین و مرز

مسابقه ی همیار طبیعت ۱

سوال ۱. در زمان بارش باران درختان چه کمک هایی به زمین می کنند؟

سوال ۲. نقش آن مرد بی فکر در پدید آمدن سیل چه بود؟

سوال ۳. بعد از قطع شدن درخت ها چه بر سر زمین آمد؟ (چه اتفاقی برای زمین افتاد؟)

سوال ۴. پسر بچه ای که از چنگال سیل نجات یافت چگونه اشتباهات پدر را جبران کرد؟

سوال ۵. از خواندن این کتاب چه نتیجه ای گرفتید؟

نام خانوادگی :

سن :

نام خانوادگی :

نام :

تحصیلات :

شماره ی تلفن :

نشانی :

نشانی :

بچه های عزیز پاسخ خود را به آدرس : تهران ، بلوار ارتش ، بعد از چهارراه مینی سیتی ، اول جاده ی لشکرک ، سازمان جنگلها ، مراتع و آبخیزداری کشور _ مدیریت ترویج و آموزش و یا به ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مربوطه ارسال نمایند.

«نوشتن مشخصات ذکر شده فوق ضروری است.»

پیامبران و امامان ما به طبیعت اهمیت زیادی می دادند و همیشه مردم را به مواظبت و نگهداری از درختان سفارش می کردند.

امام صادق (ع) می فرماید:

درخت برای انسان آفریده شد پس وظیفه ی ما:

۱- کاشتن درخت

۲- آب دادن درخت

۳- مواظبت نمودن از درخت



**به سفارش :
مدیریت ترویج و آموزش سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور**

شابک : ۹۷۸-۹۷۴-۸۴۰۹-۵۵-۰۰